

Critical Discourse Analysis of the National Emblems of the Qajar Period and the Islamic Republic of Iran Based on Van Dijk's Views

Farideh Afarin, Associate Professor, Department of Art Studies, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran. (Corresponding Author) Email: F.afarin@semnan.ac.ir.

Sajede Nikiyan, M.A of Art Studies, Department of Art studies, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran. Email: Sajedehnikian@semnan.ac.ir.

Abstract

The aim of the research is to analyze the critical discourse in the Qajar and Islamic Republic emblems based on the relationship between emblem and discourse. The research method is descriptive-analytic and the analysis approach is critical discourse. National emblems are the visual dimension of political discourses. The differences of emblems as a part of the discourse or the visual effect of a discourse may return to the specific way of that visual effect or be interpreted as a certain political tendency. Discourses consistent with the symbol of the lion and sun are patrimonial, royal, and national identity discourses based on historical past and religious identity. This emblem is indicative of the ideals of ideological traditionalists, as an attractive visual aspect of religious discourse. In this way, any emblem that represents the visual dimension of the discourse of Sunnis or other religious minorities is removed, or rejected by displaying this symbol in the ministries, press, publications, etc. The discourse of the Islamic Revolution is a reaction to the absolute modernism of the Pahlavi period. The discourses that arose in the Islamic revolution included strategies and conflicts such as class struggle, exploitation, and struggle against imperialism and colonialism. This discourse resists the field of power that the Orientalist and Middle Eastern discourse that Westerners create. The comparison of the Qajar and Islamic Republic emblems shows the difference in their attitude in choosing the type of governance. The Qajar rule wants to dominate the empire and the other wants to spread Islamic rule all over the world.

Keywords

Iran's national emblems, Critical discourse analysis, Islamic revolution discourse, Monarchist discourse.

گفتمان کاوی انتقادی نشان‌های ملی دوره قاجار و جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرای ون‌دایک

فریده آفرین^۱، ساجده نیکیان^۲

چکیده

هدف پژوهش این است که به تحلیل گفتمان‌های فراخوانده توسط دو نشان قاجار و جمهوری اسلامی بپردازد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و رویکرد گفتمان‌کاوی انتقادی است. گفتمان‌های فراخوانده توسط نشان شیر و خورشید گفتمان پدرمیراثی، سلطنتی و هویت ملی بر اساس گذشته تاریخی هستند. شیر و خورشید را می‌توان بُعد بصری جذب‌کننده گفتمان مذهبی هم دانست. بدین ترتیب با جلوه‌گری این نشان در مطبوعات، نشریات و سایر رسانه‌ها هر نشانی که نشان‌دهنده یا بُعد بصری گفتمان دیگر اقلیت‌های مذهبی باشد به حاشیه رانده می‌شود. نشان جمهوری اسلامی گویای گفتمان انقلاب اسلامی و آرمان‌های سنت‌گرای ایدئولوژیک است. گفتمان انقلاب اسلامی در واکنش به مدرنیسم مطلقه پهلوی پدیدار شد و دربردارنده راهبردها و منازعه‌خواهی‌هایی چون مبارزه طبقاتی، استثمارزدایی، مبارزه با امپریالیسم و استعمار بود. این گفتمان در میدان قدرتی قرار داشت که در مقابل گفتمان شرق‌شناسی و خاورمیانه که برساخته غربی‌ها بود، مقاومت می‌کرد. تفاوت‌های نشان‌ها به‌منزله بخشی از گفتمان یا جلوه بصری یک گفتمان ممکن است به شیوه خاص اجرای آن جلوه بصری برگردد یا اینکه به‌گرایش سیاسی خاصی تعبیر شود. مقایسه دو نشان قاجار و جمهوری اسلامی به‌منزله جلوه بصری دو گفتمان متفاوت، تفاوت آن‌ها در فراخوانی نوع حاکمیتی متفاوت را نشان می‌دهد. در واقع، هر دوره‌ای گفتمان غالبی دارد که نظام حقیقت خود را به وجود می‌آورد. در مرکز نظام حقیقت یکی گفتمان سلطنت‌گرا و در دیگری گفتمان انقلاب اسلامی با تمرکز بر دین اسلام و حاکمیت مطلق الله قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

نشان ملی ایران، گفتمان کاوی، گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان سلطنت‌گرا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

۱. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول).

f.afarin@semnan.ac.ir

Sajedeh.nikian@semnan.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان

مقدمه

نشان‌های ملی^۱ به‌منزله منابع غنی بصری، مفاهیم ملی، مذهبی و تاریخی را زنده می‌کنند که سایرین ملت‌ها را با آن می‌شناسند، بنابراین راهی هستند برای ارتباط ملی و بین‌المللی به صورت بصری. این نشان‌های بصری می‌توانند لایه‌ها و سطوح مختلفی را از تا باز کنند و اجازه دهند برخی از گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی غیرمستقیم با آنها در یک میدان قرار گیرند. آنها می‌توانند به گفتمان‌های گفتاری و نوشتاری مرتبط شوند که در هر دوره تاریخی به صورت غالب گفتمان اصلی و مرکزی را تشکیل می‌دهند. بدین طریق، به صورت بیناگفتمانی گفتمان‌های همسوی دیگری به گفتمان مرکزی جذب می‌شوند و با آن به‌نحو متحدالمرکز ارتباط برقرار می‌کند. با این مقدمه، هدف پژوهش این است که به تحلیل گفتمان‌های فراخوانده توسط دو نشان ملی دوره قاجار و جمهوری اسلامی، بپردازد.

در باب پیشینه این پژوهش باید گفت وندایک کتاب‌هایی باعنوان متن و بافت (زمینه) و استراتژی‌های درک گفتمان نگاشته که جهت روشن کردن حرکت از زبان به گفتمان کاوی مناسب هستند. همچنین مقاله‌های متنوعی مثل «قدرت، گفتمان و دسترسی»، «از دستور زبان به گفتمان کاوی انتقادی»، «گفتمان کاوی اجتماعی» و نیز «اصول گفتمان کاوی انتقادی» را به‌طور خلاصه درباره دستاوردهای پژوهش خود نگاشته که برخی مانند مقاله اول به فارسی در مجله گفتمان سال (۱۳۷۷) چاپ شده‌اند. سایر مقاله‌های نامبرده در کتابی با عنوان مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی گردآوری، ترجمه و در سال ۱۳۸۲ چاپ شده که در شکل دهی به مبانی نظری پژوهش نقش داشته است. سلطانی (۱۳۸۳) مقاله «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش» را نگاشته و تحلیل‌هایی در باب گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب ارائه داده و در زمینه مبانی نظری، چارچوب و اعمال روش مقاله پیشینه محسوب می‌شود. همچنین حسنی فر و امیری پریان، (۱۳۹۳) چهار مرحله سطح سطح، عمق سطح، سطح عمق و عمق عمق را بدون اشاره به منبع آن، در «روش تحلیل گفتمان» معرفی کرده‌اند. ابوالحسن تنهایی، راودراد و مُریدی (۱۳۸۹)، در مقاله «تحلیل گفتمان هنر خاورمیانه: بررسی شکل‌گیری قواعد هنری در جامعه نقاشی معاصر» اصول و قواعد شکل‌دهنده به هنر خاورمیانه را گفتمان کاوی نموده‌اند. مسائل مربوط به گفتمان در عرصه زبان را به مسائل تحلیل‌شدنی در آثار هنری منتقل و تعبیر کرده‌اند. نمونه مطالعاتی پژوهش پیش‌رو، با هنر خاورمیانه متفاوت است. فریدافشار و علیمحمدی اردکانی، (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل گفتمان تبلیغات سازمان هنری اوج از منظر میشل فوکو»،

در رهپویه هنر تعدادی از تبلیغات سازمان هنری اوج مثل «ایران افتخار من»، «زادب مهر برآید»، «عیدی برای همه» را از نظر فرم و محتوا بررسی کرده‌اند. هر کدام از تبلیغات را جلوه بصری گفتمانی در نظر گرفته‌اند، نقطه اتصال جلوه بصری را به یک رکن یا مفهوم محوری یک گفتمان پیوند زده‌اند. تفاوت این پژوهش‌ها اولاً در روش تحقیق آن است که با اتکا به آرای ون‌دایک تا روابط بیناگفتمانی و نیز روابط قدرت حاکم بر گفتمان را در بر می‌گیرد و از طرف سلطه و تحت سلطه می‌گوید. همچنین تلاش می‌کند از گروه اجتماعی مرکزی مرتبط با گفتمان سخن راند و درباره گفتمان و گروه اجتماعی که به حاشیه رانده می‌شود بحث کند. دوم اینکه نمونه مطالعاتی این پژوهش هم متفاوت است. محمودی و یزدانی (۱۴۰۰) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان تمبرهای پستی با موضوع فرهنگی در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی ایران» نگاشته‌اند که روش و نمونه مطالعاتی متفاوتی دارد. افزون‌براین، این مقاله گفتمان‌ها را به اندازه پژوهش پیش‌رو، متمایز و مشخص مطرح نکرده است. به‌طور کلی با روش گفتمان‌کاوی انتقادی هیچ تحقیقی به مطالعه نشان ملی دوره قاجار و جمهوری اسلامی نپرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی زاده شد. سیر تحول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان در قالب تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا (مایکل هالیدی) و تحلیل گفتمان انتقادی خلاصه کرد. تئون ون‌دایک^۱، روس و داک^۲، و نورمن فرکلاف^۳ سه وجه نظر متفاوت به تحلیل گفتمان انتقادی اتخاذ کردند. ون‌دایک به روابط قدرت و رابطه زبان، ایدئولوژی و گفتمان پرداخت. مطالعاتی در باب نژادپرستی انجام داد. این محقق، در مقاله «از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی» و «اصول گفتمان‌کاوی» نشان داد پارلمان‌ها و احزاب سیاسی مانند لیبرال دموکراسی، صندوق‌های رأی، رقابت‌های حزبی، رسانه‌های جمعی، کرسی‌های تدریس دانشگاهی و...، پدیده‌هایی گفتمانی هستند.

1. Teun Adrianus van Dijk

تئون آدریانوس ون‌دایک، متولد ۱۹۴۳ در هلند استاد تحلیل گفتمان انتقادی و مطالعات گفتمان در دانشگاه آمستردام بوده و اکنون در دانشگاه بارسلونا تدریس می‌کند. در دهه هشتاد میلادی در قرن گذشته بعد از نگارش مکتوباتی نظری درباره متن و بافت (زمینه)، تمرکز مطالعاتی خود را بر بازتولید گفتمانی نژادگرایی به‌واسطه نخبگان نمادین معطوف کرد. منظور او از نخبگان نمادین، سیاستمداران، ژورنالیست‌ها، محققان و نویسندگان هستند. او بنیانگذار مجله‌های علمی متعددی مانند گفتمان و اجتماع، مطالعات گفتمانی، گفتمان و ارتباطات است.

۲. Ruth Wodak استاد بازنشسته دانشگاه لکستر انگلیس دارای کرسی تحلیل گفتمان و مدرس دانشگاه وین. حوزه‌های مطالعاتی او سیاست هویت، تبعیض، نژادپرستی و ضد نژادپرستی است.

۳. Norman Fairclough زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی زاده ۱۹۴۱ است. فرکلاف استاد بازنشسته دانشگاه لکستر است. او از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی به‌شمار می‌رود. وی نخستین کتابش را با عنوان زبان و قدرت در سال ۱۹۸۹ در همین زمینه نوشت.

طبق قرائت فوکو، در گفتمان کسی سخن می‌گوید و درباره چیزی سخن می‌گوید، با مفاهیمی گزاره‌های سخن را مطرح می‌کند و از راهبردی استفاده می‌کند که بر افکار دیگران اثر گذارد. چهار مقوله توصیفی برای تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی عبارت است از: وحدت موضوع (ابژه)، شیوه بیان (موقعیت‌های سوژه)، نظام مفاهیم و بنیان نظری [راهبرد]؛ در صورتی که میان موضوع، شیوه، انواع احکام، مفاهیم و مبانی نظری آن‌ها نظم و همبستگی وجود داشته باشد، در آن صورت یک صورت‌بندی گفتمانی ایجاد می‌شود (Dreyfus & Rabinow, ۱۹۸۳: ۵۸-۷۵) = (کچویان، ۱۳۸۲: ۶۸). تعریف دیگر محققان گفتمان‌کاوی از تعریف فوکو متفاوت است، اما به نظر می‌رسد در طیف روش‌های گفتمان‌کاوی این تعریف کلاسیک به انجا مختلف در این مسیر پی‌گرفته می‌شود: سوژه‌ای که سخن می‌گوید و ابژه‌ای که درباره آن سخن گفته می‌شود؛ مفاهیم و اصطلاحاتی که با آن سوژه درباره ابژه گفتمان سخن می‌گوید و راهبردها و تاکتیک‌هایی که امکان تولید حکم بر مبنای اصطلاحات و مفاهیم از طرف سوژه را فراهم می‌کند. گفتمان‌کاوی انتقادی، اصولاً حوزه‌ای چندرشته‌ای است و زبان‌شناسی، بوطیقا، نشانه‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ و ارتباط‌شناسی را در برمی‌گیرد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۵). گفتمان‌کاوی به مطالعه عام‌تر گفتمان، قدرت و ایدئولوژی می‌پردازد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۱). بُعد نقادانه تحلیل گفتمان به جنبش محقق‌هایی تبدیل شده که بیش‌تر بر مسائل اجتماعی تمرکز می‌کنند. آنها به اشکال متنوع و متکثر استفاده و سواستفاده از قدرت در خصوص جنسیت، موقعیت و طبقه می‌پردازند. برای نمونه، مطالعه می‌کنند چگونه نژادپرستی، تبعیض و نابرابری جنسیتی، طبقه‌ای و موقعیتی در آثار ادبی، اخبار و رسانه‌ها و جلوه‌های بصری گفتمان‌ها بازتولید می‌شود. یکی از اصول بنیادین گفتمان‌کاوی مطالعه رابطه گفتمان و ایدئولوژی است. این نظریه‌پرداز، ایدئولوژی را نظام بنیادین اجتماعی یا نمودهای ذهنی مشترک اجتماعی تعریف می‌کند که بازنمودهای ذهنی را کنترل می‌کنند. فرض بر آن است که ایدئولوژی‌ها طرح‌واره مورد بازنمایی ثابت و درونی دارند که بین گروه و خود مشترک است (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۲). ایدئولوژی سیستم عامل یا برنامه‌ای شناختی است که نگرش‌های اجتماعی خاص‌تر گروه‌ها و اعضایشان را سازماندهی و آن‌ها را کنترل می‌کنند (ون‌دایک، ۱۳۸۲، ۱۹۴). ایدئولوژی‌ها گفتمان‌های اجتماعی را کنترل می‌کنند و نوشتار، گفتار، جلوه‌ها و ابعاد بصری گفتمان را برای تشویق دیگران به پذیرش ایدئولوژی‌ها به کار می‌گیرند.^۱

۱. گاهی در تعریف ایدئولوژی به‌ویژه با تأکید بر آرای آلتوسر ذکر می‌شود که به کمک فرآیند طبیعی کردن، بازنمودهای ایدئولوژیک به صورت گزاره‌های عقل سلیم در می‌آید، در نتیجه فرآیند قرار گرفتن ناآگاه در چارچوب نهادها ایدئولوژی خوانده می‌شود.

تعریف ایدئولوژی از نظر ون‌دایک به معنی باورهای بنیادین^۱ است که به صورت بازنمایی اجتماعی^۲ درمی‌آیند. ایدئولوژی منافع و ارزش‌های اساسی گروه‌ها را منعکس می‌کند. بخشی از منطق و کارکرد صورت‌های اجتماعی در بافت اجتماعی‌شان و در ارتباط با منافع گروه‌های اجتماعی تأمین می‌شوند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

برای مطالعه گفتمان انتقادی، نیازمند واکاوی در رابطه قدرت گفتمان، سلطه نابرابری انتقادی و جایگاه گفتمان‌کاوه هستیم. در گفتمان‌کاوی انتقادی بر نقش گفتمان در بازتولید چالش سلطه تمرکز می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲، ۱۷۸، ۱۷۷). سلطه اعمال قدرت اجتماعی توسط نهادها، گروه‌ها و نخبگان تعریف می‌شود. این سلطه، نابرابری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، طبقاتی، نژادی و جنسیتی را رقم می‌زند. روابط قدرت می‌تواند از بالا به پایین و از پایین به بالا باشد. گروه‌های تحت سلطه اصولاً مجاب می‌شوند که قدرت را به صورت طبیعی در نظر بگیرند و آن‌را بپذیرند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۸). در گفتمان‌کاوی بین ساختارهای گفتمانی و ساختارهای قدرت روابطی غیرمستقیم وجود دارد که می‌تواند بررسی و مطالعه شود. فرامین، دستورات یا وضع قوانین می‌تواند روابط سلطه را برای اعمال قدرت بازتولید کنند. به صورت غیرمستقیم آثار گفتاری، نوشتاری و جلوه‌های بصری تلاش می‌کنند با راهبردهایی مناسبات اجتماعی را پنهان کنند. کشف تمهیدات آثار (هنری) یا فنون بلاغت گفتار مثل فن بیان یا تمهیدات بصری و معنایی آنها وظیفه گفتمان‌کاوه می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۹). مناسبات قدرت علاوه بر فرامین در روابط دیگری بازتولید می‌شود، مثل رابطه افراد فرادست و فرودست، والدین و فرزندان. شرایط اجتماعی ویژه‌ای نیاز است تا سلطه بتواند بازتولید شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۹). آنچه سلطه را ممکن می‌کند شرایط پرسش‌برانگیز مشروعیت و مقبولیت است. احتمالاً سلطه به سواستفاده از قدرت و نابرابری اجتماعی می‌انجامد. گفتمان‌کاوی انتقادی کمک می‌کند که درک ساختارهای گفتمان از مسائل به بینشی عمیق‌تر و گاهی به تحلیل‌های غیرمستقیم از علل اساسی، شرایط و پیامدهای این مسائل منجر شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۴). گفتمان‌کاوه انتقادی می‌گوید یک گفتمان به چه روشی می‌تواند شناخت عمیق‌تری از نقش اساسی گفتمان در بازتولید سلطه و نابرابری پیدا کند. گفتمان انتقادی رابطه بین نوشتار، گفتار یا جلوه‌های بصری گفتمان، شناخت اجتماعی، قدرت جامعه و فرهنگ را به عهده دارد.

قدرت مستلزم کنترل است. اعضای یک گروه از جامعه، گروه‌های دیگر را کنترل می‌کنند. گروه کنترل‌کننده ممکن است آزادی عمل دیگران را از بین ببرد، به این هدف که بر افکار و

1. System of Belief
2. Social Representation

اذهان‌شان تأثیر بگذارد. مهار و کنترل اذهان دیگران اساساً از کارکردهای نوشتار، گفتار، سایر قالب‌های عرصه و ارائه است که باعث طبیعی و مقبول کردن اعمال قدرت و بازتولید آن می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۷۸). شیوه‌های اعمال قدرت راهبردی، ترغیب، تظاهر، دخل و تصرف است تا ذهن دیگران را به منافع خود تغییر دهند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

پیشینه سواستفاده از قدرت به این صورت دیده می‌شود: نقض قوانین اصول دموکراسی، برابری و عدالت توسط کسانی که اعمال قدرت می‌کنند. این قدرت سلطه است که به قلمرو خاصی محدود می‌شود یا با اعتراض مورد سوال واقع می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۸۷). سلطه مردان بر زنان، سلطه حاکمیت بر افراد حاشیه، سفیدپوستان بر سیاهپوستان و ... طرف تحت سلطه‌ای می‌سازد که او با اراده خود در جهت منافع قدرت حاکم گام برمی‌دارد. سازماندهی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سلطه، سلسله مراتب قدرت را اعمال می‌کند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۸). برخی اعضا و سازمان‌های حاکم نقش مهمی در طراحی تصمیم‌گیری، کنترل روی روابط و فرآیندهای اعمال قدرت دارند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۹). این گروه‌های کنترل‌کننده به گفته ون‌دایک نخبگان قدرت هستند.

دسترسی روشی است که افراد برای آغاز یک رویداد ارتباطی به کار می‌بندند و شامل موارد به کارگیری، ارتباط، روش هدایت، کیفیت گفتمان مثل نوبت‌گذاری، توالی گفتمانی، موضوع و نوع ارائه می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۷۹). الگوها و روش‌های دسترسی گفتمانی متفاوت هستند و بسته به وظایف اجتماعی از لحاظ جنسیت، مقام، موقعیت و موضوع در نهادها، حرفه‌ها، حیطه‌ها و گونه‌های اجتماعی تنوع پیدا می‌کنند. مقوله‌بندی‌های بافت و گفتمان برای تجلیات بصری هم به کار می‌رود. چشم‌انداز گفتمان، به یک مفهوم ممکن است استعاری باشد و بر اساس مدل‌های ذهنی یا باورهای اجتماعی یا ایدئولوژی‌ها شکل گرفته باشد (ون‌دایک، ۱۴۰۱: ۳۰۱). استعاره (و نماد) در ساختارهای بصری به عنوان جلوه بصری گفتمان به کار می‌رود (ون‌دایک، ۱۴۰۱: ۳۰۲).

الگوهای دسترسی به جلسات هیئت دولت با میزان دسترسی منشی‌ها و کارمندان یکسان نیست (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۸). قدرت اجتماعی و وجوه دسترسی به گفتمان شباهت زیادی با هم دارند. در اشکال گفتمان و ارتباطات حالت ضدیت با قدرت در قالب‌های گوناگون مثل اعتراض، شعار سردادن، طرح پرسش انتقادی یا در جلوه‌های بصری گفتمان، تکیه به ابهام و تنش زیاد را می‌توان حالت‌هایی از مقاومت و ضدیت دانست. در صورتی که سلطه نهادینه شود تأثیر بالا می‌رود و دسترسی به گفتمان سازمان‌یافته می‌شود و نفوذ بیشتر می‌گردد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

گفتمان باعث می‌شود گروهی اجتماعی یا فردی به نمایندگی از گروهی اجتماعی بر عده‌ای دیگر اعمال قدرت کند و طرف سلطه‌گر می‌سازد. عده‌ای به واسطه آن گفتمان طرد می‌شوند یا عده‌ای به حاشیه رفته و نادیده گرفته می‌شوند. امکان تصور جایگزین برای گفتمان عینیت یافته که حاکم بر فضای رفتار اجتماعی ما هستند، غیرممکن است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). بر اساس تحول زاویه دید متفکران تحلیل گفتمان، می‌توان گفت همه پدیده‌های اجتماعی تحت تأثیر فرآیندهای گفتمانی، شکل می‌گیرند. سازوکارهای قدرت هستند که چفت و بست شدن گفتمان را روی کردارهای غیرگفتمانی ممکن می‌کنند. بحث ون‌دایک از بررسی زمینه گفتمان به مفهوم فضا چرخش می‌کند و طی مطالعاتش از تحلیل خود متن و سبک آن مانند واژگان، بلاغت و استعاره‌ها به تحلیل گفتمان، گروه اجتماعی و فردی که به نمایندگی از گروهی اجتماعی با آن گفتمان‌ها می‌تواند بر عده دیگری قدرت اعمال کند و باعث سلطه شود، حرکت می‌کند.

روش پژوهش: تحلیل گفتمان انتقادی با اتکا به روش ون‌دایک در تحلیل اخبار و رسانه‌ها در باب نژادپرستی چهار مرحله را آشکار می‌کند. بر این اساس، تحلیل گفتمان آثار هنری در یک مرحله شامل ویژگی‌های بصری، کالبدی، ژانر اثر و نسبت بینامتنی است که با تاریخ دارد. تحلیل گفتمان شامل بررسی فضایی می‌شود که امکان خلق اثر را فراهم می‌کند مانند نهادهای آموزشی، موزه‌ها، رویدادهای هنری و ... (ابوالحسن تنهایی، راودراد، مریدی، ۱۳۸۹: ۱۸). در مرحله بعد به این پرسش پاسخ می‌دهد که با چنین اثری چه گفتمانی ساخته می‌شود. این که چه گفتمان‌های دیگری به صورت متحدالمرکز با آن گفتمان همراه می‌شوند و روابط بیناگفتمانی می‌سازد. در مرحله نهایی، به روابط و سازوکارهای قدرت پرداخته می‌شود که توسط گفتمان یا گفتمان‌های فراخوانده به واسطه اثر هنری یا جلوه بصری گفتمان اجرا می‌شود. به گفته ابوالحسن تنهایی، راودراد و مریدی حرکت از مفهوم زمینه به مفهوم فضا به مثابه حرکت از تحلیل سبک هنری به تحلیل گفتمان هنری است؛ یعنی دیگر یک زمینه ثابت و مشخص نیست که تولید یک اثر هنری را شکل و معنا می‌دهد، بلکه فضایی هست که در آن، علاوه بر پرداختن به قدرت و سلطه، به مقاومت، تغییر و اعتراض نهفته در اثر با تأکید بر گزینش، انتخاب یا رد و طرد پاره‌ای از خط سیرهای فرهنگی و موضع‌گیری‌های متبلور در سبک و تکنیک هنرمند نیز توجه دارد. به همین دلیل امروزه تحلیل گفتمان به جای تحلیل سبک استفاده می‌شود، چرا که تفاوت‌ها و تغییرات در یک دوران تاریخی و سیطره مجموعه‌ای از قوانین حاکم به صورت اعتراض و بیان فردی هنرمند را به تصویر می‌کشد (ابوالحسن تنهایی، راودراد، مریدی، ۱۳۸۹: ۱۵).

در این تحقیق برای مطالعه با اهداف تحلیل گفتمان، ساختار نشان‌های ملی به مثابه چیزی که آن‌را سامان می‌دهد، بررسی می‌شود. مطالعه ساختار از اجزا و روابط اجزا شروع شده و به بیرون کشیدن ایده و نسبت دادن معنای عناصر مستقیم یا غیرمستقیم به واسطه نمادها منتهی می‌شود. سپس گفتمانی که جنبه فرمال و معنایی نشان فرامی‌خواند تشخیص داده می‌شود. همچنین روابط بیناگفتمانی در قالب گفتمان‌هایی با اهداف، آماج و نیز مفاهیم و راهبرد نزدیک با گفتمان اصلی در نظر گرفته شده و در نهایت روابط با گفتمان‌هایی که به حاشیه رانده شده و با آنها گروهی از انسان‌ها نیز طرد گشته‌اند یا در حاشیه قرار گرفته‌اند تفسیر می‌شود.

عناصر، ایده‌ها، معانی عناصر در نشان شیر خورشید

با شکل‌گیری حکومت قاجار^۱ و ایجاد تغییرات اجتماعی- سیاسی در این دوره، نشان شیر و خورشید به اشکال و انحاء مختلف به کار رفته است. دوران قاجار با قدمتی طولانی، پادشاهان متعددی را به خود دید که هر کدام سیاست‌های خاص خود را در اداره مملکت داشتند و به تبع آن نشان شیر و خورشید را به عنوان معرف حکومت تغییر می‌دادند. نشان قاجار را می‌توان در دو گروه عناصر طبیعی و غیرطبیعی تقسیم‌بندی نمود. عناصر طبیعی که عبارتند از نقوش گیاهی (شاخه بلوط و زیتون)، نقوش حیوانی (شیر) و پدیده‌های طبیعی (طلوع خورشید). در دسته عناصر غیرطبیعی نیز می‌توان به اشیا و آلات جنگی (شمشیر) و پوشش سلطنتی (تاج) اشاره نمود.



تصویر ۱. نشان ملی متعلق به حکومت قاجار

منبع: <https://www.redbubble.com/shop/iran+national+symbol+stickers>.

۱. دوره حکومت قاجاریه، پس از پیروزی آغامحمدخان بر حکمرانان زند و دیگر مدعیان آغاز گردید. اساس ساختار حکومت قاجار، بر اساس ساختار قبیله‌ای بوده است. حکومت ایل قاجار، مشتمل از طوایف بزرگ ترک‌نژاد شمال غرب ایران بودند که پس از مرگ کریمخان، با توجه به اوضاع آشفته کشور، به سرکردگی آغامحمدخان، خود را به قدرت رساندند. آن‌ها توانستند از حدود سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ه.ش، یعنی به مدت صدوسی سال بر ایران حکمرانی کنند. شیوه حکمرانی پادشاهان مبتنی بر الگوی پدرشاهی و موروثیت بود. بر همین اساس بعد از آغامحمدخان، قدرت به وارثان وی؛ فتحعلی‌شاه، محمدشاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و سرانجام به احمدشاه رسید.

شکل کلی نشان به‌منزله جلوه بصری گفتمان را می‌توان به مجموعه‌ای از سازه‌های قراردادی تجزیه کرد و قواعدی را در باب مشخصه‌های آن تدوین کرد (ون‌دایک، ۱۳۸۳: ۳۶). طراحان نشان معمولاً طرحواره و سازه‌ای قراردادی را برای ایجاد موقعیت‌های ارتباطی در نظر دارند (نگاه کنید به ون‌دایک، ۱۴۰۱: ۱۳۸). بررسی عناصر، معانی و نمادهای عناصر نشان به این هدف است که اولاً اصول حاکم بر روابط متقابل عناصر و نیز اصول سازمان‌دهنده کل را بهتر بشناساند و دوماً با شناسایی بهتر و درک دقیق‌تر، معانی ملموس‌تر را بنا بر زمینه فرهنگی و تجارب زیسته ارائه دهد. نشان شیر خورشید به‌منزله برساخته‌ای فرهنگی-سیاسی، بخشی از گذشته و تاریخ ملت محسوب شده که حفظ هویت و اتحاد ملی را سبب‌گردیده و در صدد تجسم و نمود حس پرتحرکی از تاریخ یا سرنوشت منحصر‌به‌فرد در میان سایر جوامع بوده است. آنچه در نشان حائز اهمیت است، تأثیر نفوذ معانی است که توسط چنین نشان‌هایی در ذهن اعضای ملت تداعی می‌شوند. در سطح تفسیر می‌توان ایده یا معنای هر یک از بخش‌ها را یافت. هر یک از عناصر موجود در نشان‌ها ممکن است پرشمار معنی داشته باشد. بنابر نحوه قرارگیری و نوع جلوه‌گری هر یک از عناصر موجود در نشان شیر و خورشید و ارتباط با هم، مفاهیم خاص‌تری از یک نشان استخراج می‌شود. ایجاد بده بستان حاصل از رابطه مرکز-حاشیه، بیشترین تمرکز را روی شیر و خورشید به‌وجود می‌آورد. شیر مضامین و معانی مانند شهریاری و دلاوری، شکوه پادشاهی، پیروزی و نگهبانی را با خود به همراه دارد و قرارگیری آن در کنار پادشاهان معانی چون سلطنت، شجاعت و قدرت را با آن درآمیخته است (علیزاده بیرجندی، حمیدی و ملک‌زاده، ۱۳۹۶: ۹۰). افزون‌براین در کهن‌ترین تصاویر، شیر با پرستش خورشید - خدا ارتباط داشته است (هال، ۱۳۸۰: ۶۱). در این حالت این عنصر، همچون نگهبانی بر معابد خدای خورشید هم به شمار می‌رفته است. شیر و ایزد آناهیتا و اشعه‌های نور دور آن، در کنار پادشاه هخامنشی کهن‌ترین نگاره در این باب است. گاهی برخی از معانی شیر همچون قدرت و شجاعت که از جمله صفات انسانی هستند، اشاره به شخصیت انسانی ویژه‌ای دارند. برای نمونه حضرت علی (ع) شیر خدا لقب داشته است و شیر را جلوه‌ای از ایشان می‌دانسته‌اند (علیزاده بیرجندی، حمیدی و ملک‌زاده، ۱۳۹۶: ۹۳). قرارگیری عمودی شمشیر در دست شیر، با مفاهیمی از قبیل اقتدار و ایستادگی همراه شده است. شمشیر به‌تنهایی استعاره‌ای از قدرت پادشاه، توان نظامی و افتخار است و وجود شمشیر، نشان‌دهنده ضرورت آمادگی و هوشیاری دائمی برای حفاظت از سلطنت و میهن است. قرارگیری شمشیر در دستان شیر، استعاره از وضعیت نظامی، رشادت و قدرت است. همچنین به شمشیر معروف ذوالفقار حضرت علی (ع) اشاره‌ای دارد. ذوالفقار تجلی‌گر عدالت و رشادت‌های حضرت علی (ع) در

جنگ با کفار است (محمودی، حاج حسنی، ۱۳۹۳: ۲۷). خورشید در پشت شیر به ۱۲ پر تقسیم شده که نماد سال است. شیر و خورشید خود به صورت کل، استعاره از خوش‌یمنی است (نظری‌زاده، مشهدی حاجی علی، ۱۳۹۴: ۱۰). تاج به منزله کلاهی زرین با کنگره‌ها و شعاع‌هایی شبیه به خورشید شناخته می‌شود. همچنین رنگ زرین تاج با رنگ خورشید، تناسبی زیبا ایجاد می‌کند. خورشید نشان‌دهنده عمر جاویدان؛ جلال، سلطنت و پادشاهی است و به همین دلیل تاج پادشاهان را شبیه به کنگره می‌آراستند که نمادی از خورشید باشد. با توجه به اهمیت تاج، در رأس این نشان تاج کیانی قرار دارد.

افزون بر مضامین دینی و مذهبی پیرامون شاخه زیتون، آن را به منزله عنصری کارآمد در نشان‌های ملی و نشان‌های افتخار در نظر می‌گیرند که معمولاً در کنار شاخه بلوط ظاهر می‌شود. بلوط نشان‌دهنده عمر طولانی و قدرت مردانه است. در ایران بلوط دارای جایگاهی اسطوره‌ای است و به منزله درختی تنومند با عمری طولانی شناخته می‌شود. عصر ساسانی را می‌توان دوره‌ای با کاربرد فراوان عنصر تزئینی بلوط دانست که علاوه بر این کاربرد، نشانه‌ای از امنیت، باروری و دوام است و قرینگی را به نمایش می‌گذارد. (تصویر ۲) (مبینی، شافعی، ۱۳۹۴: ۵۶). استفاده از بلوط در نشان شیر و خورشید قاجار می‌تواند به این دوره تاریخی پیشین هم اشاره داشته باشد. زیتون به معنی شکوه صلح، جادوانگی و بلوط به معنی باروری، دوام و زندگی، توأمان دست در دست هم داده‌اند و بر شدت معنای نشان در سمت بیرونی افزوده‌اند.



تصویر ۲. کاربرد نقش بلوط در گچ‌بری‌های کاخ تیسفون و کیش، حدود قرن ۶ میلادی، منبع: (اعظمی، شیخ‌الحکمایی و شیخ‌الحکمایی، ۱۳۹۲: ۱۸).



گره‌زدن دو شاخه نیم‌دایره زیتون و بلوط دایره‌ای تشکیل می‌دهد (ذکاء، ۱۳۴۴: ۲۵) تمام اجزا و عناصر نشان با کمک گره پاییون ریان درون دایره‌ای جمع و توأمان شده است. دایره تشکیل‌دهنده کلیت نشان، فرم کهنی را نشان می‌دهد که یادآور گردونه زندگی و چرخ دوار یعنی آسمان است. همچنین دوام‌بخش فرم قرص بالدار از دوران ایلام و ماد باستان است که در فرمی متشکل از پادشاه و قرص بالدار (متأثر از مصر و آشور) در دوره هخامنشی

گفتمان کاوی انتقادی نشان‌های ملی دوره قاجار و جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرای ون‌داپک

بقای خود را ادامه می‌داد (آفرین، ۱۳۹۷ ب: ۱۲۷). در اینجا به جای حلقه یا قرص بالدار، دایره شاخه‌ها و به جای پادشاه شیر و تاج قرار دارد که البته بالی هم تصویر نشده است. رنگ زرد، با قداست، نورانیت و معنویت ارتباط دارد. مفهوم تقدس و جان‌شینی معنوی پادشاه از سوی خداوند را منعکس می‌سازد. افزون‌بر آن، شاخه‌های سبز رنگ گیاهی حول نشان شیر و خورشید نیز از همین مقوله پیروی می‌کنند؛ به گونه‌ای که به کارگیری رنگ سبز برای نمایش شاخه‌ها، با معانی نمادین آن‌ها مانند امید، برکت، طراوت، آرامش و صلح نیز همخوانی دارد (فروزانی خوب، پنجویی، ۱۳۹۶: ۱۱).

جدول ۱. بررسی عناصر تشکیل‌دهنده نشان شیر و خورشید از دوره قاجار و معانی و گفتمان مربوط به آنها.

نشان‌ها	حوزه مبدا	حوزه مقصد	گفتمان فراخوانده
قاجار	 شیر	قدرت شاه، شجاعت، دلاوری، پاسداری	گفتمان سطنتی و پدرمیراثی
	 شمشیر	حضرت علی (ع)، پاسداری، مقاومت، مبارزه و شجاعت	گفتمان دینی و گفتمان هویت ملی
	 خورشید	پادشاه و سلطنت	گفتمان سطنتی و پدرمیراثی
	 تاج کیانی	سلطنت و پادشاهی مراسم آیینی تاج‌گذاری، مشروعیت سلطنت و موروثی بودن آن	گفتمان سطنتی و پدرمیراثی

گفتمان فراخوانده	حوزه مقصد	حوزه مبدا	نشان‌ها
گفتمان سطنتی	قداست، زکیه، برکت، صلح و پیروزی	زیتون  برگ زیتون	قاجار
گفتمان سطنتی	امنیت، طول عمر وحدت و باروری	بلوط  برگ بلوط	
گفتمان دینی و گفتمان سطنتی	تقدس، نورانیت و معنویت	رنگ زرد	
گفتمان دینی	امید، طراوت، جوانی، برکت، طول عمر، صلح و دوام	رنگ سبز	

(منبع تصاویر: <https://www.redbubble.com/shop/iran+national+symbol+stickers>، منبع جدول: نگارندگان)

نشان شیرخورشید و گفتمان‌ها

گفتمان هویت ملی و گذشته تاریخی

ترکیب نشان درون‌گرا و منسجم است. همین ویژگی‌ها، نشان‌دهنده میل به هویتی ملی است که عوامل مختلفی چون مرزهای جغرافیایی، زبان، وحدت قومیت‌های محلی، دین و مذهب، حکومت و دولت، گذشته تاریخی و باستانی با تأکید بر اساطیر، قهرمان‌ها و ... در شکل‌گیری آن نقش دارند. روابط مختلف وحدت‌دهنده اجزای جلوه بصری گفتمان به انسجام می‌انجامد.

این نشان به منزله میانجی ارتباط بصری، اولین گفتمانی را که جذب می‌کند، هویت ملی است. گفته شده تا زمان دودمان صفویان، ایران از وحدت سیاسی و قومی محروم

بوده است، (مطهری، ۱۳۸۹: ۶۷) اما به واسطه عوامل متعددی چون غیرت‌سازی از دولت عثمانی و برجسته‌کردن تشیع در برابر تسنن، به این هویت دست می‌یابد، با این حال قاجاریان هم چنین داعیه‌ای داشتند. منظور از هویت ملی اصطلاحی است که در بخشی از تعریف خود گذشته تاریخی و باستانی را در گفتمان سیاسی حاکم مد نظر قرار می‌دهد. هویت ملی بر اساس تداوم تاریخی، انتساب اصل و نسب شاهان قاجار به ساسانی‌ها و هخامنشی‌ها ساخته می‌شود و با گفتمان ملی‌گرایی در عصر مشروطه متفاوت است. مجموعه گزاره‌ها، احکام، فرامین، دستورها و تاریخ مکتوبی وجود دارد که هویت ملی به این معنا را در دوره قاجار بازتولید می‌کنند.

تلاش شاهان قاجار برای یکدست‌ساختن نشان مذکور در میدان گفتمان هویت ملی در برابر دول خارجی و مشارکت در گفتمان خودی‌سازی می‌گنجد. هر چند که تقلیدی از نشان‌های خارجی باشد، اما کارکرد آن مشارکت در میدان گفتمان هویت ملی است. همچنین در غیرت‌سازی از گفتمان‌های مشروعیت‌پرداز دول خارجی و نیز سایر حاکمیت‌ها نقش دارد. یحیی ذکاء شکل‌گیری نقش ثابت شیر و خورشید در زمان محمدشاه را علت آشنایی‌ها و رفت‌وآمدهای ایران با کشورهای اروپایی، گسترش روابط و عقد قراردادهای متعدد در میان آن‌ها می‌داند که در این زمان نیاز به شکل‌گیری یک نشان ثابت برای ایران را آشکار کرد. این نیاز به صورت پنهان طرف مقابلی برای کشورهای دیگر می‌ساخت.

این نشان چندین قرن به عنوان مهم‌ترین نماد هویت ملی ایرانیان محسوب می‌شده است. هویت ایرانی، بر پایه مذهب و موقعیت ژئوپولیتیکی و به گفته مطهری بر پایه دین اسلام و ایرانی‌بودن تعریف می‌شد (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۶۳). دین اسلام راه را برای موجودیت تاریخی ایرانیان هموار نمود و از دوران حاکمیت مغولان به بعد، با تعبیر خاص تشیع در خدمت هویت‌بخشی به ایرانیان تا امروز قرار گرفت. (Keddie & Yann, 2006: 11) عَلم شیر و خورشید خاندان صفوی که مروج و حامی مذهب شیعه بودند در مقابل نقش هلال بیرق عثمانی قرار می‌گرفت که نشان‌دهنده جمعیت سنی بود. شیعیان اعم از عارف و عامی آنرا مقدس می‌دانستند و گویا آن‌را به‌عنوان اشارتی به اسدالله الغالب، علی (ع) و خورشید ولایت تلقی می‌کردند. به عقیده دکتر جعفر شهیدی شیر و خورشید از زمان پس از مغول تا پایان قاجاریه نماد مذهب تشیع بوده است (آذری شهرزایی، ۱۳۸۴: ۸۶). در نتیجه، شیر و خورشید قاجار را می‌توان بعد بصری جذب‌کننده گفتمان دینی دانست. بدین ترتیب هر نشان و علامتی که نشان‌دهنده یا بعد بصری گفتمان تسنن یا دیگر اقلیت‌های مذهبی باشد با بازتولید این

نشان در وزارتخانه‌ها، اداره‌ها، مطبوعات، نشریات و... حذف یا طرد می‌گشت و به حاشیه رانده می‌شد.

گفتمان سطنتی و پدرمیراثی^۱ (پاتریمونیالیسم)

فتحعلی شاه برای ساخت نشان شیر و خورشید جهت اعطای به دیپلمات‌ها و مقامات اروپایی دستور داد (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۲۷۳). این نشان به خواست و دستور شاه حاکم یک ملت بازطراحی و ساخته شده بود، بنابراین عطف توجه یک نشان ملی هم به صورت غیرمستقیم بر قدرت، سلطه، به صورت نهایی حتی مقاومت و اعتراض است. قدرت با قرارگیری شیر و خورشید در مرکز نشان و سایر عناصر در حاشیه بیرونی نوعی بیگانه‌سازی از دیگری، حریم‌سازی و اعمال قدرت بر سرزمین یا مرزهای درونی و بیرونی قلمروی جغرافیایی تلقی می‌شود. توجه به رابطه حاشیه‌مرکز، با توجه به حرکت از شیر به تاج و از تاج به شیر اصل بودن قدرت مرکزی را القا می‌کند. پوششی را که پادشاه یک کشور بر سر می‌گذارد، تاج می‌نامند. مراسم جلوس و تاج‌گذاری، یکی از نمادهای اصالت و ملیت‌گرایی در میان حاکمان ایرانی محسوب می‌شده است. تاج نماد سلطنت و پادشاهی و خورشید در هم‌تنیده با تاج مفاهیمی چون عمر جاودانه و جلال سلطنت را زنده می‌کند. تاج کیانی آراسته به بته جقه به نشان از سرو یا درخت زندگی است. نقش زمرد، الماس، مروارید و یاقوت سرخ با اشاره به قدرت نمادین و زمانمند در تاج بسیار اساسی تلقی می‌شود (بروس میت‌فورد، ۱۳۹۴: ۲۲۷). پَر، از زمان‌های کهن در تاج آتف متعلق به اوزیریس به کار رفته و در تاج شاهان ایران (به‌ویژه در دوره صفوی) استفاده می‌شد (آفرین و نیکیان، ۱۴۰۱: ۸۹). در تاج شاهان قاجار از جمله فتحعلی شاه پَر و به‌گواه برخی شمایل‌های درباری جقه کوچکی با زمرد سبز دیده می‌شود که در دوره ناصری به بقه جقه‌ای بزرگ‌تر جای می‌سپُرد. شیر و خورشید استعاره‌ای از پادشاهی است که تاج‌گذاری کرده و قدرت آن مشروع شده است. همچنین این نشان به صورت ضمنی، مشروعیت ولیعهدهایی که این تاج را بر سر می‌گذارند پیشاپیش تأیید می‌کند. نوید منفعت به موافقانی می‌دهد که با شیر و خورشید یعنی پادشاهی که تاج می‌گذارد و مشروعیت دارد همراهند. دایره ساخته شده با زیتون و بلوط چرخ زندگی را به کام موافقان روا می‌دارد. این نشان گفتمان مشروع‌خواهی را به خود جذب می‌کند و مشروعیت پادشاه یا پدر ملت را تأیید می‌کند و جایگاه‌ها و مناصب در دستگاه سلطنت را به کسانی عطا می‌کند که مخالفت و دشمنی با گفتمانی ندارند که این نشان فرامی‌خواند. همچنین

1. Patrimonialism

مفاهیمی که در راهبرد گفتمان سلطنت طلب به کار برده می‌شوند، با قوانین و فرامین وضع شده شاه (یعنی سوژه‌ای که حق سخن گفتن دارد)، همراستاست. این نشان مربوط به گفتمان سلطنت‌گرا، فرامین و دستورات آن در دعوت به تبعیت از شاه، بالاتر از همه را تأیید می‌کند. براین اساس گفتمان سلطنتی، فرمانبرداری از فرمان، دستور شاه و رسانه تحت کنترل او مانند فراخوان، دستور، اعلامیه و روزنامه را روا می‌دارد. فرمان‌روایی کردن یعنی گرفتن از رعایا و بخشیدن بدانها در یک قلمرو. سوژه سخن، ابژه خود را که همان اتباع درون قلمرو است، خطاب قرار می‌دهد. اتباع از آن حیث که درون قلمرو هستند اهمیت دارند و اختیار گرفتن جان آنها در دست شاه است (آفرین، ۱۳۹۷: ۲۲۵). گفتمان سلطنتی همراه زکن شاه ارکان و مولفه‌های دیگری دارد که جذب آن گفتمان شده است. گفتمان سلطنتی درون پدرمیراثی (پاتریمونیالیسم) قرار می‌گیرد. پدرمیراثی بر سرزمین ایران بیش از نفوذ تجدد غربی حاکم بود. با پدرمیراثی در قالب جنبش اصلاحات در زمان قاجار و مشروطیت مبارزه شد. گفتمان پدرمیراثی عناصر مختلفی چون نظریه شاهی ایران، شیوه استبداد دوران قاجار و پدرسالاری را در برداشت؛ گفتمان سلطنتی - مذهبی خاصی بود که در زمان قاجار شکل گرفته بود. پدرمیراثی امکانات محدودی برای شکل‌گیری فردیت و آزادی عمل فراهم می‌کرد و فضای ساختاری لازم را برای فرصت‌طلبی، اعتراض خاموش و اقتدارگرایی شکل می‌داد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۵). دولت پدرمیراثی که در زیر سایه گفتمان پدرمیراثی سنتی ایران شکل گرفت، بر اساس اندیشه اقتدار و مرکزیت شاه به عنوان صاحب مملکت، مالک جان و مال مردم بود. لطف شاه در توجه سیاسی او جهت می‌گرفت و به دلخواه خود هدایای خویش را میان اعضای خانواده و مردم توزیع می‌کرد. الگوی اصلی دولت، پدرمیراثی خانواده بزرگ شاه بود، اما در عمل، ویژگی اساسی این دولت وجود مراکز دولتی به صورت پراکنده و چندگانه بود. با ضعف دولت پدرمیراثی در عصر قاجار منابع قدرت پراکنده شدند و به واسطه تأثیرات گوناگون نفوذ کشورهای خارجی پدید آمدند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۷). گفتمان پدرمیراثی با تأکید بر شاه به عنوان پدر ملت به واسطه این نشان تأیید می‌شود. خانواده شاه هم برای انتصاب‌های بعدی اهمیت دارد.

پیدایش مفاهیم جدید در عصر قاجار، ترکیبات و تعبیرات تازه‌ایی چون حکومت ملی، حقوق بشر، دولت ملی، حریت یا آزادی فردی، حریت جمعی، اتحاد ملی، قشون ملی، تصنیف وطنی، مساوات، عدالت، مجلس، قانون را به وجود آورد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۷). در جریان مشروطه افزایش چگالی و ازگانی گفتار و نوشتار ضد قدرت حاکمیت‌مند در نشریاتی چون

صویراسرافیل، کشکول، نسیم شمال، استبداد و ... مفاهیم کلمات کهن را دستخوش تحول و دگرگونی کرد. حاکمیت قانون با تأسیس مجلس و پارلمان برپایه مفاهیمی چون مساوات، عدالت، اصلاحات، برابری، آزادی اساس گفتمانی را تشکیل می‌داد که اهداف و آماج آن پایان حکومت مطلقه بود. این حاکمیت قانون با گفتمان مشروطه‌خواه رژیم حقیقت خود را می‌یافت و در آن از طرفی حقوق فردی تدوین می‌شد و از طرف دیگر حقوقی که با آن بتوان از منافع ملی دفاع کرد. گفتمان مشروطه اهداف و آماج گفتمان مشروطه در کشورهای دیگر مثل انگلیس را جذب می‌کرد. سوژه سخن‌گویی برخی گفتمان‌ها در نشریات و مطبوعات کشورهایایی مثل انگلیس، روسیه و فرانسه با مشروطه ایران مخالفت یا از آن طرفداری می‌کردند (قیصری، ۱۳۸۶: ۳۴۰).

در گفتمان سلطنتی که درون پدرمیراثی میدان طرح خود را می‌یافت گفتمان یا فرم‌های گزاره‌پذیری ساخته می‌شد که در آن کثرتی از بدن‌ها یا هستی اجتماعی به‌منزله امر تعیین‌پذیر، متعین، تابع و تحت سلطه می‌گردید. با مشروطه نیروهایی که از میدان نیروی سلطنت و از سازوکار نمادین آن بیرون ماندند و به جریان مشروطه قدرت دادند، توسط این گفتمان طرد می‌شد یا به حاشیه می‌رفت. در طرف دیگر ماجرا، با توقیف و نیز گفتار، نوشتار و جلوه‌های بصری متفاوتی گفتمان مخالف این نیروها را در میدان نیروی سلطنتی کانالیزه می‌کرد و از توان می‌انداخت. سرکوب چنین سرپیچی با اتکا به شریعت، عترت و اهل بیت صورت می‌گرفت.

گفتمان سلطنتی با نیروهایی که به صدرنشینی قانون ضرورت می‌بخشیدند با تکیه به ارکان گفتمان مذهبی مبارزه می‌کرد. برای نمونه اعتمادالسلطنه در نشریه اطلاع^۱ برای طرد و به‌حاشیه‌راندن روزنامه قانون متعلق به میرزا ملکم‌خان نوشت: «کدام قانون بهتر از قرآن مجید است که پیغمبر صلی الله و علیه و آله گذاشته و الان معمول دولت و ملت است» (کهن، ۱۳۶۰: ۱۶۱).

۱. انگیزه انتشار نشریه اطلاع انعکاس «وقایع و حوادث عمده تمام کره ارض» درون کشور بوده است. مطالب شماره‌های نخستین این نشریه و پس از آن عمدتاً ترجمه «تلگرام‌های رسیده» و مطبوعات خارجی است. این نشریه بیشتر در بردارنده خبرهای سایر «دول» است. مدیریت اطلاع تا شماره ۳۹۰ بر عهده محمدحسن اعتمادالسلطنه بوده و در شماره ۳۹۱ خبر فوت او، مندرج است. پس از وی محمدباقر اعتمادالسلطنه برادرزاده ناصرالدین شاه جانشین محمدحسن صنیع الدوله می‌شود.



تصویر ۳. صفحه آغازین نشریه اطلاع برای انتشار وقایع و حوادث عمده تمام کره ارض،
منبع <http://malekmuseum.org/artifact/1393>

عناصر، ایده‌ها و معنای آنها در نشان جمهوری اسلامی

پس از پایان سلسله پادشاهی در ایران و با تشکیل جمهوری^۱ مبتنی بر قوانین اسلام، نشان ملی جدیدی شکل گرفت. بررسی ابعاد مختلف این نشان، گامی موثر در راستای تعیین معانی و مفاهیم ملی مورد تایید جمهوری اسلامی است. آنچه در تصویر دیده می‌شود، طراحی بر اساس واژه الهه است، اما با واکاوی دقیق این نشان متشکل از چهار هلال و یک خط قائم به نظر می‌رسد که دو هلال میانی گل لاله و تفکیک، تجزیه و ترکیب عناصر آن، واژه «لااله الاالله» را نشان می‌دهد. اصل حاکم بر شکل دهی به کلیت نشان، وحدت در کثرت، تقارن، تعادل و توازن است که بیان آن در سطح گفتمانی مفاهیمی را می‌طلبید.

۱. اقدامات سیاسی امام خمینی (ره) در دهه ۵۰ شمسی به شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ منجر شد. انقلاب اسلامی ایران بر اساس یک ایدئولوژی شیعی و اسلامی شکل و تمامی جوانب آن بر همین اساس بنیان گرفت. هدف جمهوری اسلامی، وارد کردن مذهب به شالوده زندگی سیاسی بود، نه جنگ با آن و از این جهت، اسلام از روش‌های مختلفی به تمامی ابعاد کشور ورود پیدا کرد. بر همین اساس می‌توان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی را تاسیس یک حکومت دینی با محتوایی مبتنی بر دستورالعمل قوانین الهی دانست که مقاصد تعیین شده آن در چارچوب تفکر دینی قرار می‌گرفت.



تصویر ۴. نشان ملی متعلق به جمهوری اسلامی.

(ندیمی، ۱۳۶۲: ۶۱)

حمید ندیمی، طراح نشان جمهوری اسلامی، در مصاحبه‌ای چنین عنوان می‌نماید: «ایده چنین طرحی از زمان پیش از انقلاب، در ارتباط با تفسیری که از سوره حدید در یکی از درس‌های مذهبی شنیدم در ذهنم کاشته شد. چنین دریافتم که حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن دارای سه بعد اساسی است یعنی؛ کتاب، میزان و حدید.» (ندیمی، ۱۳۶۲: ۶۱) می‌توان چنین استنباط نمود که مفاهیم به کار گرفته شده در پس عناصر این نشان، تداعی‌گر سه رکن اساسی مذکور مطابق با دیدگاه قرآن هستند. فرم عمودی قرار گرفته در مرکز نشان که تشدید روی آن قرار می‌گیرد، یادآور شمشیر و تعبیری از کلمه حدید در قرآن است و تجربه ایستادگی و مقاومت را ایجاد می‌کند. تشدید در هر دو زبان فارسی و عربی نشان‌دهنده شدت است. هلال به نقش چرخش ماه بر مدار خود در تقویم قمری کشورهای عربی اشاره دارد. نقش هلال ماه به منزله معرف کشورهای اسلامی برگزیده و به عنوان سمبل اسلام از قرن ۱۴ پذیرفته شده است (بروس میت‌فورد، ۱۳۸۸: ۲۸). فرم‌های منحنی قرار گرفته در بیرونی‌ترین سطح نشان، به نصف‌النهارهای مبدأ و امکان فراگیری دین اسلام در سراسر جهان اشاره‌ای دارند (شاه‌علیان، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۴۹). خاستگاه این هلال را می‌توان علاوه بر حالت دو هلال ابتدای و انتهای ماه قمری برگرفته از اثر هلالی شکل امضای پیامبر دانست که در این نشان به نبوت ایشان اشاره می‌کند. دو هلال متعلق به امضای پیامبر از پشت به یکدیگر چسبیده‌اند و قسمت‌های میانی آن‌ها در هم ادغام شده‌اند. رابطه هر یک از عناصر هلالی و نیز فرم عمودی شمشیر با یکدیگر سبب شکل‌گیری ارتباط متقابل شده است. به واسطه قرارگیری عناصر هلالی و عمود بر پایه جز و کل، پنج رکن اصول دین به وجود آمده است. در این نشان به واسطه ویژگی، نشانه و نمایه‌ای مشترك یا شباهت با حوزه مقصد برای نمونه با الله، با صفاتی چون واحد، قادر،

عالم و مضامینی چون حکومت اسلامی معتقد به خدا و ملت متکی به او ارتباط برقرار می‌کند. بدین ترتیب اعتقاد و توکل بر خدا خود ابعاد عملی دارد.

بر اساس ساختار نشان، توازن ایجاد شده در نشان جمهوری اسلامی حول خط عمودی میانی، نشان‌دهنده همان میزان در آفرینش توسط خداوند، عدل و قسط او است. رنگ تخت و تماماً قرمز الله، ضمن تأکید بر مفهوم شهادت بیانگر ابتدا و انتهای آفرینش است (الی الله المصیر) و البته همین تأکید بر مبدأ و انتهای آفرینش، هدف و غایت حکومت اسلامی را نشان می‌دهد. افزون‌براین، قرمز نماد انقلاب، مبارزه، عشق و زندگی است (داندیس، ۱۳۹۸: ۸۲). در پرچم جمهوری اسلامی هم علاوه بر الله مرکزی، ۱۱ الله اکبر در بالا و ۱۱ عدد الله اکبر در پایین نشان‌دهنده «۲۲ بهمن» تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی با تکیه به همین شعار است (ندیمی، ۱۳۶۲: ۶۲). الله اکبر که در اذان بر انجام فریضه واجب نماز فرامی‌خواند، به نوعی جز تشریفات مذهبی است. سردادن الله اکبر به صورت جمعی گویای کنشی در آئین مذهبی است که تکرار آن با صدای بلند وحدت‌آفرین تلقی می‌شود. بخشی از نماز عید فطر مسلمانان را تشکیل می‌دهد. الله اکبر ندای پیروزی انقلاب در سال‌های بعد از آن گردید و مردم هر سال ۲۲ بهمن با سر دادن شعار الله اکبر این پیروزی را دوباره بشارت می‌دهند و بر سر آرمان خود با هم تجدید میثاق می‌کنند. الله اکبر به نوعی یادآوری است، هم در اینکه خدا از همه بزرگتر و بزرگترین است، هم اینکه رمز پیروزی انقلاب توکل به الله بوده است. توکل به الله که از همه بزرگتر است، گویای استقلال و رهایی از وابستگی به شرق، استعمار غرب و آزادی از بند استثمار است. تجربه میهن‌پرستی، خدامحوری، تبعیت از دین، اصول آن و حاکمیت اسلام بر جهان به طور کلی بیان ایدئولوژی‌های حکومتی در جمهوری اسلامی، از طریق طراحی نشان است.

جدول ۲. بررسی عناصر تشکیل دهنده نشان جمهوری اسلامی و معانی و گفتمان مربوط به آن‌ها

دوره	نشان	حوزه مبدا	حوزه مقصد	گفتمان فراخوانده و طرد شده
جمهوری اسلامی		پنج فرم هلالی	اصول دین	گفتمان مذهبی گفتمان سنت گراهای ایدئولوژیک طرد مدرنیسم مطلقه پهلوی
		ایستادگی	حضرت علی (ع)	گفتمان مذهبی/ تشیع و طرد دیگر گفتمان مذهبی/ تسنن
جمهوری اسلامی		هلال ماه و اسلام- نصف النهار مبدا و جهان گیری اسلام-	جهانی بودن اسلام	گفتمان مذهبی گفتمان سنت گراهای ایدئولوژیک گفتمان انقلاب اسلامی/ سیاسی طرد مدرنیسم مطلقه پهلوی
		لاله	شهادت	گفتمان انقلاب اسلامی/ سیاسی گفتمان مذهبی
جمهوری اسلامی		الله- لاله الا الله	توحید	گفتمان مذهبی طرد مدرنیسم مطلقه پهلوی گفتمان انقلاب اسلامی/ سیاسی
	قرمز	قرمز	شهادت و شهادت پروری در راه خدا، در راه حفظ ارزش‌ها عقاید و باورها، رنگ آغاز خلقت، عشق به معشوق (خدا) و شور انقلابی	گفتمان مذهبی و گفتمان سیاسی/انقلاب اسلامی گفتمان سنت گراهای ایدئولوژیک

(تصاویر: ندیمی، ۱۳۶۲: ۶۱؛ جدول: نگارندگان)

گفتمان‌ها و نشان جمهوری اسلامی

خود این نشان گویای آرمان‌های سنت گرایان ایدئولوژیک است. این گفتمان در واکنش به مدرنیسم مطلقه پهلوی پدیدار شد که در ابتدا از جانب روشن‌فکران مذهبی و روحانیون دو تعبیر متفاوت از آن عرضه گردید. «یکی گرایش کاریزمایی که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ غالب بود و دیگری گرایش محافظه‌کارانه و سنتی‌تری که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ حاکم شد.» (بشیریه، ۱۳۸۱: ۷۰). بر اساس این دو گرایش کردارهای سیاسی در درون گفتمان‌های سنت‌گرایی ایدئولوژیک به صورت خاصی جلوه می‌کنند. در آغاز، نظام جمهوری اسلامی بر اساس اقتدار کاریزمایی توسط آیت‌الله خمینی شکل گرفت. در میان سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۸ گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک در میان گرایش کاریزمایی و سنتی‌تر در نوسان بود، اما در دوره بعد با روی کار آمدن نهاد ولایت فقیه، عنصر سنت‌گرایی غلبه یافت و قشر روحانی جایگاه بالاتری پیدا کرد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۷۰). این گفتمان بازتاب ارزش‌های طبقه سنتی بود. از سوی دیگر ظهور جامعه توده‌ای جدید که به واسطه نوسازی در عصر پهلوی به وجود آمده بود، زمینه‌ایی برای گسترش سنت‌گرایی ایدئولوژیک فراهم کرد که در وقوع انقلاب تأثیر به‌سزایی داشتند. در این گفتمان، سنت اسلامی به عنوان راه حلی برای مسائل جامعه مدرن در نظر گرفته می‌شد. سنت‌گرایی ایدئولوژیک، شیوه دموکراتیک و تکنوکرات جهان مدرن را دشمن خود می‌دانست. بر این اساس گفتمان لیبرالیسم، روشن‌فکری غربی و ناسیونالیسم ایرانی به حاشیه رانده شده و بر رهبری، ارزش‌های سنتی و کنترل فرهنگی تأکید می‌شد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۷۰-۶۹). اطاعت‌پذیری از سنت در این گفتمان پرورش می‌یافت. گفتمان سنت‌گرایی با فرآیند جهانی شدن در عرصه فرهنگ، ارتباطات و اقتصاد به مخالفت می‌پرداخت و همین تقابل یکی از محورهای اصلی کشمکش‌های جاری در جامعه سیاسی ایران را تشکیل می‌داد. گفتمان انقلاب اسلامی، هر گفتمان دیگری مانند گفتمان پدرمیراثی و مدرنیسم مطلقه پهلوی را طرد می‌کرد و نیز با مشایعت گفتمان دینی در باب مذاهب غیر از اسلام ترجیح را به جهان‌گیر شدن اسلام و تشکیل جوامع اسلامی می‌داد.

گفتمان انقلاب اسلامی

در گفتمان کاوی اعتقاد بر این است که سرکوب‌خشن گفتمان غیر یا دیگری، احتمال رادیکال شدن آن را افزایش خواهد داد. اولین جرقه انقلاب اسلامی ایران در پانزده خرداد سال چهل و دو، در پی سرکوب شدید و خشونت‌بار مردم، به دنبال محدود کردن

خواسته‌های سیاسی اسلامی توسط رژیم پهلوی با اتکا به استبداد شاهی، تجدد و غربگرایی (برگرفته از گفتمان مشروطیت) زده شد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۴) و سرانجام به سرنگونی رژیم منجر شد. پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در ایران گفتمان سیاسی بسیار انحصاری بود؛ گفتمانی رسمی وجود داشت و ساختار نشان‌های ملی، سیاسی، آرم‌ها به عنوان جلوه بصری آن گفتمان را رقم می‌زد. ساختار گفتمان‌های نهادی و سیاسی در احکام، فرامین و دستورات، تولیدات رسانه‌ها و محصولات سخنگویان مطبوعاتی مانند اطلاعیه رسمی و همایش مطبوعاتی در فضای آن گفتمان رسمی غالب دوره پهلوی برای کنترل افکار دیگران بازتولید می‌شد. کنترل افکار دیگران به معنی کنترل عمل اجتماعی نیست، چون آن هم تمهیدات، ساحت خود را می‌طلبد و سازوکار قدرت، گفتمان و عرصه عمل اجتماعی را با راهبردها، تکنیک اقناع و کنترل افکار روی هم چفت و بست می‌کند. کنترل افکار دیگران تا دوره پهلوی دوم (برای نمونه گفتمان مارکسیستی به دلیل مخالفت با اصلاحات ارضی) ادامه داشته تا اینکه در سال ۱۳۵۵ ساختارهای گفتمانی و آرمان‌ها، میثاق‌ها و شعائر که به واسطه آن در حاشیه و در قالب نوشتار، اطلاعیه و سخنرانی بازتولید می‌شدند؛ قدرتمندتر از تصور ساختار گفتمان سیاسی حاکم بود. این گونه بود که گفتمان انقلاب اسلامی پدید آمد. بعضی آن را گفتمان سنت‌گرای ایدئولوژیک خوانده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۹). این گفتمان، برخی از گفتمان‌های اقلیت را در خود جذب کرد و به انقلاب بزرگتری تبدیل شد که به دلیل پاسداشت، بازتاب شعائر و ارزش‌های اسلامی که ارزش‌های انسانی و ظلم‌ستیزانه هستند مفاهیم مشترکی با برخی از گفتمان‌های اقلیت یافت. گفتمان انقلاب اسلامی ایدئولوژیک است بدین دلیل که ایدئولوژی، سیستم عامل یا نظام باورها و شناخت‌های اجتماعی بنیادینی است که ارزش‌های اساسی (برخی از) گروه‌ها را منعکس می‌کند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

طرد گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی

این نشان گفتمان مدرنیسم مطلقه را به منازعه می‌کشد و آنچه حذف می‌شود کلیه نشان‌های ملی/سلطنتی، پرچم‌ها و نیز علائم افتخار، مراسم تاجگذاری و جشن‌های یادآوری به تخت نشستن شاه، مظاهر و جلوه‌های آن است. مدرنیسم مطلقه پهلوی گسست کاملی نسبت به گذشته نبود، بلکه در آن عناصری از پدرمیراثی سنتی با ایدئولوژی مدرنیسم در آمیخت. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۷). گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی مجموعه ناهمسان از پدرمیراثی سنتی، گفتمان توسعه و نوسازی به شیوه مدرنیته غربی و مردم‌گرایی بود که در طول زمان ترکیبات بیشتری پیدا کرد. تاکید این گفتمان روی

اقتدارگرایی، ملی‌گرایی ایرانی، مدرنیته فرهنگی و سکولاریسم بود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۸). بر اساس این گفتمان، دولت در پی آن بود تا جامعه و اقتصاد ایران را از صورت‌بندی سنتی به صورت‌بندی مدرن سوق دهد، در این صورت، گفتمان مدرنیته مطلقه با خصلت اقتصادگرایانه و عقل‌گرایانه شتابناک خود، آسیب‌هایی به فرهنگ جامعه سنتی وارد می‌کرد. در این گفتمان سنت، مذهب و قومیت‌های سنتی از عرصه قدرت خارج شدند، نتیجه این گفتمان آسیب‌رساندن به تجار بازار، اصناف و علمای دینی بود. اجرای این‌گونه سیاست‌ها نیازمند تمرکز ابزارها و منابع قدرت سیاسی متمرکز در دست دولت بود که نیروهای اجتماعی و سیاسی را به انقیاد می‌کشاند. در گفتمان مدرنیته مطلقه پهلوی جایی برای مشارکت و رقابت سیاسی وجود نداشت. دولت پهلوی قصد داشت اصلاحاتی اجتماعی و اقتصادی در ساختار جامعه سنتی به ثمر رساند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۹-۶۸). چون گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی خود از زیرگفتمان‌های متفاوتی مانند گفتمان ملی‌گرا، سکولاریسم و مدرنیته تشکیل شده، می‌توان گفت با طرد شدن این گفتمان، مدرنیسم مطلقه فرهنگی و زیرگفتمان‌هایی مانند سکولاریسم حذف و باقی به حاشیه رانده شدند. یک گفتمان با هدف حق حاکمیت یافتن و پیوند با گفتمان‌های همبسته در مرکز قرار می‌گیرد و دیگر گفتمان‌ها را به حاشیه می‌راند. گفتمان انقلاب اسلامی گفتمان‌های مذکور را به حاشیه راند.

در مقابل استیلا و مرکز قرار گرفتن سنت‌گرایی ایدئولوژیک پس از انقلاب، گفتمان دموکراتیک با ریشه‌داشتن در مشروطه بر مبنای کثرت‌گرایی شکل گرفت (بشیریه، ۱۳۸۱: ۷۱) و آن گفتمان را در معرض نیروی مفاهیم و راهبرد خود قرار داد. در انتخابات ۱۳۷۶، تأثیراتی از این گفتمان در قالب قانون‌گرایی به شیوه نهضت ملی؛ به تعبیری مدرن و دموکراتیک به شیوه جریان روشن فکری دینی دیده شد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۷۱).

گفتمان انقلاب اسلامی و غیریت‌سازی

آرامش حاصل از انسجام و تقارن نشان، گویای این است که گفتمان انقلاب اسلامی خواهان تشکیل جامعه مسلمان و اتحاد جوامع همبسته اسلامی در سراسر جهان است. با مفاهیمی قابل اجماع مانند الله در نهایت می‌خواهد پرستش معبودی بی‌شریک را جهان‌شمول کند. رنگ قرمز حاکی از شور انقلابی برای مبارزه با هر قدرتی است که سوژه سخنگوی او در صدد مطالبات استعمارگرایانه است. گفتمان ضداستعماری پیشتر افراد کانونی دیگری مانند گاندی (رهبر معنوی و سیاسی هند برای رهایی از

سلطه انگلیس) و لومومبا (رهبر ضد استعمار کنگو علیه بلژیک) را به خود جذب کرده (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۶) و سوژه سخنگوی خود ساخته است. گفتمان استعمارگرا روابط قدرت و راهبردهایی را به کار می‌اندازد و از نظریه‌پردازی‌هایی حمایت می‌کند که برای جذب صداهای گفتمان دول دیگر در آوای یگانه‌ای تلاش می‌کند که یکصدا قدرت استعمارگران جهان را فریاد زنند، زندگی کنند و نفس بکشند. آن دول، ابژه سخن خود را با صفاتی چون عقب‌افتاده، جهان سوم، دین‌دار، خرافات‌زده و اصطلاح‌هایی مانند بنیادگرایان اسلامی، القاعده، تروریست، داعشی می‌خوانند و فرادست و فرودست را تعیین می‌کنند. تعیین می‌کنند سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها جهان دوم باشند و سایرین که دین زده‌اند جهان سوم خوانده شوند. به‌همین ترتیب عزمشان را جزم می‌کنند که در گفتمان‌های رسمی و غیررسمی در انواع نهادها و سازمان‌ها با دسترسی گسترده دشمن خود را بسازند و بازتولید کنند. در قالب‌های گفتاری، نوشتاری و تصویری طرف تخاصم و منازعه خود را ترسیم کنند و سلطه خود را با گزاره‌ها، نحو و ترفندهای بلاغی، شیوه‌های مبتداسازی، برجسته‌سازی و روش‌های مرکزگذاری، در عرصه زبان و حذف و مبهم کردن در عرصه تصویر به کرسی نشاند. به گفته ون‌دایک در گفتمان‌ها طرف فرادست ویژگی‌های منفی خود را به طرف تحت سلطه نسبت می‌دهد و بدین طریق آنها را نفی می‌کند. با جعل یا اصرار کردن بر خصوصیات منفی دیگران خود را تبرئه می‌کند و از دیگران غیریتی می‌سازد و آن‌را به عنوان دشمن تثبیت می‌کند (ن ک ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۲۳۵). طرف فرادست ممکن است درباره اعمال بد و اصلاح‌شدنی غیرخودی به تفصیل صحبت کند، اما در باب نکات منفی خود کمتر سخن می‌گوید (Van Dijk, 1991). ازاین‌رو گفتمان‌هایی که در انقلاب اسلامی به وجود آمده بود، دربردارنده راهبردها و منازعه‌خواهی‌هایی چون مبارزه طبقاتی، استثمارزدایی، مبارزه با امپریالیسم و استعمار بود؛ سوژه‌های سخنگوی گفتمان‌ها سعی کردند در سخنرانی‌ها، اطلاعیه‌ها و تریبون‌هایی که به دست می‌آوردند و دسترسی‌هایی که پیدا می‌کردند دست‌نشانگی پهلوی‌ها را به انگلیسی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها نشان دهند. همچنین گفتمان انقلاب اسلامی با مباحثی از گفتمان شرق‌شناسی و خاورمیانه سرآشتی نداشت، بدین دلیل که شرق‌شناسی به منزله نهادی رسمی ساحتی‌کدگذاری شده بنام شرق با ویژگی‌های اگزوتیک، عجیب و غریب، از سوی غربی‌ها را نامگذاری می‌کرد (امرلینگ، ۱۴۰۰: ۲۱۹). ایران به عنوان بخشی از شرق از این قاعده کدگذاری مصون نبود. آنها شرق، نیز جهان سوم و منطقه‌ای بنام خاورمیانه را در گفتمان‌های

رسمی و غیررسمی خود ساختند، معین و تثبیت کردند. آن‌را تکرار، نهادینه و بازتولید نمودند تا خود شرقی‌ها و خاورمیانه‌ای‌ها هم باور کنند که عقب‌افتاده، جهان‌سومی، افرادی از مناطق شرارت، منطقه سیاسی ناامن، منطقه نفتی و کشمکش‌های سیاسی هستند. با اشاعه اصطلاحاتی چون القاعده، داعش، تروریست، بنیادگرایی اسلامی و ۱۱ سپتامبر باور کنند که مذهب برای پیشرفت آنها غیرضروری است و آنها تا زمانی که از خرافات مذهب زدوده نشوند و رسوب تحقیرآمیز عقب‌افتادگی را از تن نزدایند، نمی‌توانند پیشرفت کنند. به این طریق رژیم حقیقتی برای خود می‌سازند که حق تحت فشار قراردادن گروهی از انسان‌ها را برای کسب منافع روا می‌دارند. به‌همین ترتیب گفتمان انقلاب اسلامی که به گفتمان جمهوری اسلامی جای سپرده آن گفتمان‌ها را به حاشیه می‌راند و در برابر استیلای آنها مقاومت می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تفاوت‌های نشان‌های دوره قاجار و جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از گفتمان یا جلوه بصری یک گفتمان ممکن است به شیوه خاص طراحی و ترکیب آن جلوه بصری برگردد یا اینکه به گرایش سیاسی خاصی تعبیر شود. ممکن است نوع طراحی آن بر اساس دستور حاکم یا دال مرکزی در گفتمان سلطنتی یا دینی باشد. برای نمونه ناصرالدین‌شاه قاجار با اتکا به گفتمان سلطنت‌طلب، دستور یکپارچه کردن نشان شیرخورشید را داد. در گفتمان دینی، امام خمینی به عنوان دال مرکزی در گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند بر طراحی و سفارش نشان جمهوری اسلامی نظارت غیرمستقیم کند، بدین طریق حمید نعیمی از آیت‌الله رفسنجانی تأییدیه گرفت.

واکاوی در مفاهیم نشان شیر و خورشید مضامین و معانی ملی استخراج‌شدنی از این نشان را آشکار می‌کند که عبارتند از: اهمیت تشیع و جایگاه حضرت علی (ع) در اعتقادات مردم ایران، قدرت و قداست پادشاه، شجاعت و پاسداری از کشور، وحدت و پیروزی، برکت، حاصل‌خیزی، صلح و غیره. گفتمان‌های همخوان با این نشان، عبارتند از: گفتمان مذهبی، گفتمان پدرمیراثی و سلطنتی، هویت ملی بر اساس گذشته تاریخی. چون شیر و خورشید را می‌توان بعد بصری جذب‌کننده گفتمان مذهبی هم دانست، بدین ترتیب هر نشان و علامتی که نشان‌دهنده یا بعد بصری گفتمان تسنن یا دیگر اقلیت‌های مذهبی باشد با جلوه‌گری این نشان در وزارتخانه‌ها، اداره‌ها، سازمان‌ها، تریبون‌ها، مطبوعات، نشریات و ... حذف شده، یا طرد و به حاشیه رانده می‌شود.

نشان جمهوری اسلامی ایران، از الله، لاله الا الله، گل لاله و هلال ماه تشکیل شده است. الله با همین واژه در قاموس عربی شباهت دارد. لاله الا الله، گل لاله، شمشیر، هلال‌های ماه و رنگ قرمز از عناصر نشان هستند. نشان جمهوری اسلامی، ارکان معنوی چون اعتقاد به خداوند یکتا در ابتدا و انتهای خلقت، تمایل به جهان‌گستری دین اسلام و رسالت حضرت محمد (ص) را به عنوان مبنای ایدئولوژیک حکومت اسلامی نشان می‌دهد. همچنین شاخصه‌هایی چون شهیدپروری و آمادگی دفاع، توان نظامی و قدرت امنیتی را در حوزه‌های مقصد یادآوری می‌نماید. گفتمان انقلاب اسلامی در این راستا در واکنش به مدرنیسم مطلقه پهلوی پدیدار شد که در ابتدا از جانب روشن‌فکران مذهبی و روحانیون دو تعبیر متفاوت از آن عرضه گردید.

گفتمان یا گفتمان‌هایی که در انقلاب اسلامی به وجود آمد، در بردارنده راهبردها و منازعه‌خواهی‌هایی چون مبارزه طبقاتی، استثمارزدایی، مبارزه با امپریالیسم و استعمار بود؛ در آنها سعی بر این بود که در سخنرانی‌ها، اطلاعیه‌ها و تریبون‌هایی که به دست می‌آوردند و دسترسی‌هایی که پیدا می‌کنند با گفتمان انقلابی، اسلامی و هویت ایرانی-اسلامی که می‌ساختند دست‌نشاندهای پهلوی‌ها به انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها را به مردم نشان دهد. همچنین گفتمان انقلاب اسلامی متوجه گفتمان شرق‌شناسی و خاورمیانه‌ای غربی‌ها بود. غربی‌ها اصطلاح سیاسی شرق، جهان سوم و منطقه‌ای بنام خاورمیانه را در گفتمان‌های رسمی و غیررسمی خود ساختند، معین و تثبیت کردند. آن را تکرار، نهادینه و بازتولید نمودند تا خود شرقی‌ها و خاورمیانه‌ای‌ها هم باور کنند که عقب‌افتاده، جهان سومی و افرادی از مناطق شرارت و منطقه سیاسی ناامن، منطقه نفتی و کشمکش‌های سیاسی هستند. آنها با اصطلاحاتی چون القاعده، داعش، تروریست، بنیادگرایی اسلامی و تاریخ تعیین‌کننده‌ای چون ۱۱ سپتامبر باور کنند که مذهب برای پیشرفت آنها غیرضروری است و آنها تا زمانی که از خرافات مذهب زدوده نشوند و رسوب تحقیرآمیز عقب‌افتادگی را از تن نزدایند، نمی‌توانند پیشرفت کنند. به این طریق غربی‌ها رژیم حقیقتی برای خود می‌سازند که حق تحت فشار قرار دادن گروهی از انسان‌ها را برای کسب منافع روا می‌دارند. به همین ترتیب هم گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان جمهوری اسلامی، آن گفتمان‌ها را به حاشیه رانده یا در برابر استیلای آنها مقاومت می‌کند.

مقایسه دو نشان قاجار و جمهوری اسلامی به منزله جلوه بصری دو گفتمان متفاوت، تفاوت نگرش آنها را در انتخاب نوع حاکمیت نشان می‌دهد. حاکمیت قاجار حکومتی با سلطه پادشاهی و جمهوری اسلامی حاکمیت خدا را در مرکز نشان خود

گفتمان کاوی انتقادی نشان‌های ملی دوره قاجار و جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرای ون‌دایک

قرار داده است. در واقع، هر دوره‌ای گفتمان غالبی دارد که نظام حقیقت خود را به وجود می‌آورد. در مرکز نظام حقیقت یکی گفتمان سلطنت‌گرا و پدرمیراثی و در دیگری گفتمان انقلاب اسلامی با تمرکز بر دین اسلام و حاکمیت مطلق اله قرار می‌گیرد.

منابع و مأخذ

ابوالحسن تنهایی، حسین، راووداد، اعظم و مریدی، محمدرضا. (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان هنر خاورمیانه: بررسی شکل‌گیری قواعد هنری در جامعه نقاشی معاصر ایران. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۲(۲)، ۴۰-۷.

اطلاع، قاجاریه صفر ۱۱۹۳ قمری (قرن ۱۲) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ قمری (قرن ۱۴)، بی‌تا، تاریخ مراجعه: ۱۵/۰۱/۱۴۰۲. قابل دسترس در: <http://malekmuseum.org/artifact/1393>

امرلینگ، یانه. (۱۴۰۰). نظریه برای تاریخ هنر، ترجمه فریده آفرین، تهران: نشر حرفه هنرمند.

اعظمی، زهرا، شیخ الحکمایی، محمدطاهر و شیخ الحکمایی، طاهر. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی مقوش گیاهی گچ‌بری کاخ تیسفون با اولین مساجد ایران. هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۴(۴)، ۲۴-۱۵.

doi: 10.22059/JFAVA.2014.36422

آجودانی، ماشالله. (۱۳۸۲). مشروطه ایرانی، تهران: اختران.

آذری شهرزایی، رضا. (۱۳۸۴). جنگ بیرق: شیر و خورشید ایران در تقابل با ماه و ستاره عثمانی، گفتگو، ۴۳، ۹۵-۸۶. آفرین، فریده. (۱۳۹۷). تحلیل مکانیسم قدرت حاکمیت‌مند در آثار سیامک فیلی‌زاده بر اساس آرای فوکو (مطالعه موردی: نمایشگاه اندر گراند). مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۵)، ۲۵۸-۲۱۷.

doi: 10.22054/nms.2018.31071.450.

آفرین، فریده. (ب۱۳۹۷). مطالعه رابطه بینامتنی در سنت‌ها و نقش‌نامه‌های مشترک هنری تمدن ایلام و همخامنه‌ی، مطالعات تطبیقی هنر،

dor: 20.1001.1.23453842.1397.8.15.3.8

آفرین، فریده، نیکیان، ساجده. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی نمادها در نشان‌های ملی دوره اول پهلوی ایران و جمهوری چین. جلوه هنر، ۴(۱۴)، ۱۰۰-۸۴.

doi: 10.22051/jjh.2022.40577.1802

بشیری، حسین. (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: نگاه معاصر. بروس میت‌فورد، میراندا. (۱۳۸۸). فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان، ترجمه ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، نشر کله‌ر و دانشگاه الزهرا.

بروس میت‌فورد، میراندا. (۱۳۹۴). دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها، ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیری‌پور، چاپ اول، تهران: ستاره سبز.

بی‌نام. (۱۳۸۰). آرم جمهوری اسلامی ایران با توضیح‌هایی عالمانه و شگفت‌انگیز، ایران‌شناسی، ۳، ۷۰۱-۶۹۶. حسنی‌فر، عبدالرحمن، امیری پریان، فاطمه. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان به مثابه روش. جستارهای سیاسی معاصر، ۵(۱۱)، ۴۹-۶۷.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۲). بحث در نبوت. درسگفتار ۱۵ دوره اندیشه تمدن‌ساز در دانشگاه‌ها.

داندیس، دونیس. ای. (۱۳۹۸). مبادی سواد بصری، ترجمه مسعود سپهر، تهران: انتشارات سروش.

گفتمان کاوی انتقادی نشان‌های ملی دوره قاجار و جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرای ون‌دایک

ذکاء، یحیی. (۱۳۴۴). تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم تا امروز. هنر و مردم، ۳۸، ۲۹-۲۱.

سراوانی، فهیمه. (۱۳۹۴). سیر تحول نماد تاج و صحنه‌های جلوس شاهانه در نقاشی ایرانی. ترکیه، استانبول: دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴. قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/505176>

سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. علوم سیاسی، ۷ (۲۸)، ۱۸۰-۱۵۳.

صادقی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). بررسی نقش و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی و راهکارهایی برای تقویت آن. طرح پژوهشی، مرکز مطالعات راهبردی دبیرخانه معاونت پژوهش شورای عالی انقلاب فرهنگی. تاریخ مراجعه <https://sccr.ir/news/14233/1> ۱۴۰۱/۵/۲۵ قابل دسترس در:

علیزاده بیرجندی، زهرا، حمیدی، سمیه و ملک‌زاده، الهام. (۱۳۹۶). واکاوی خاستگاه و کارکردهای نشان‌های دولتی عصر قاجار. جستارهای تاریخی، ۱ (۸)، ۹۸-۷۹. doi: 10.30465/hcs.2017.2555

فروزانی خوب، مرجان، و پنجویی، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی مفهوم رنگ از سه رویکرد: میزان تاثیرگذاری، نحوه ابراز مفاهیم و معانی سمبلیک و انتزاعی رنگ‌ها. شیراز: کنفرانس پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۶/۳۰ قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/653010>

فرید افشار، مهلا، و علیمحمدی اردکانی، جواد. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان تبلیغات شهری سازمان هنری رسانه‌ای اوج از منظر میشل فوکو. رهپویه هنر هنرهای تجسمی، ۴ (۲)، ۷۰-۶۱.

doi: <http://dx.doi.org/10.29252/rahpooyesoore.5.2.61>

قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۴۸). درباره تطور شیر و خورشید. بررسی‌های تاریخی، ۱۹، ۲۸۲-۲۵۹.

قجری، حسینی، و نظری، جواد. (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان. قیصری، علی. (۱۳۸۶). مستبدین جهان متحد شوید! طنز در مطبوعات دوره مشروطیت معرفی مجله استبداد، ایران‌نامه، ۲۳ (۳-۴)، ۳۵۴-۳۳۳.

کچویان، حسین. (۱۳۸۲). فوکو و دیرینه‌شناسی دانش، تهران: دانشگاه تهران.

کهن، گوئل. (۱۳۶۰). تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، تهران: آگاه.

مبینی، مهتاب، و شافعی، آزاده. (۱۳۹۴). نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تاکید بر نقوش برجسته، فلزکاری و گچ‌بری). جلوه هنر، ۲ (۱۴)، ۶۴-۴۵. doi: 10.22051/JJH.2016.2126

محمودی، فتنه، و حاج‌حسینی، اعظم. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی تقابل خیر و شر در نگاره‌های خاوران‌نامه و شاهنامه. هنرهای کاربردی، ۳ (۵)، ۲۱-۳۳. doi: 10.22075/AAJ.2015.418

محمودی، فتنه، و یزدانی، فاطمه. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان تمبرهای پستی با موضوع فرهنگی در دو دوره ی پهلوی و جمهوری اسلامی ایران. هنرهای کاربردی، ۱ (۳)، ۱۰۹-۹۵. doi: 10.22075/aaaj.2022.26355.1139.95

- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: صدرا.
- ندیمی، حمید. (۱۳۶۲). گفتگویی کوتاه با طراح آرم جمهوری اسلامی. پاسدار اسلام، ۱۶، ۶۱.
- نظری‌زاده، فریده، و مشهدی حاجی‌علی، فاطمه. (۱۳۹۴). نماد خورشید در هنر ایران باستان، مشهد: دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. دبیرخانه دائمی همایش ملی باستان‌شناسی ایران. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۲/۲۲، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/541010>
- ون‌دایک، تئون. ای. (۱۳۷۷). اقتدار، گفتمان و دسترسی، ترجمه مجید خسروی نیک، گفتمان، ۲، ۱۰۲-۷۴.
- ون‌دایک، تئون. ای. (۱۳۸۲). از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی در مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه علیرضا خرمایی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ون‌دایک، تئون. ای. (۱۴۰۱). گفتمان و بافت، ترجمه طاهر اصغری‌پور و عادل نورزاده، تهران: نگاه معاصر.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- Dreyfus, H.L. & Rabinow, P. (1983). Michel Foucault, beyond Structuralism and Hermeneutics, Chicago: The University of Chicago Press.
- Iran National Symbol Stickers, (n.d). Retrieved: February 2022, from: <https://www.redbubble.com/shop/iran+national+symbol+stickers>.
- Keddie, N.R. & Yann, R. (2006). Modern Iran: Roots and Results of Revolution, Yale University Press.
- Van Dijk, T.A. (1991). Racism and the Press, London and New York: Routledge.